

## بن‌مایه‌های بیداری و پایداری در شعر محمدرضا شبیبی

دانا طالب‌پور<sup>۱\*</sup>

دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران

معصومه شبستری<sup>۲</sup>

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۲۶)

صفحات ۱۴۴-۱۳۳

### چکیده

در اواخر دهه نوزدهم و اوایل بیستم، عراق از جمله کشورهایی بود که تحت یوغ و بردگی سلطه‌گران داخلی و خارجی قرار گرفت. این کشور در سال ۱۵۳۴ میلادی زیر سلطه دولت مستبد عثمانی رفت و در سال ۱۹۱۸ به تصرف دولت انگلیس درآمد و تا مدت‌ها زیر بار بی‌عدالتی و تفرقه و فساد ناشی از سیاست‌های فریبکارانه و ذلت بار آنها رنج می‌برد. در این میان شاعران با بهره‌گیری از زبان و قلم ادبی خویش، نقش عمده تبلیغاتی را در بیداری و بسیج مردم علیه نفی ظلم و بیداد بر عهده داشتند و با قلم و ابزار قوی ادبی خویش نقش مهمی در صحنه جامعه بازی می‌کردند. یکی از شاعران مشهور بیداری و مقاومت ملت عراق، محمدرضا شبیبی است که به دلیل مبارزات سیاسی و عملی خود از جایگاه برجسته‌ای در ادبیات قرن نوزدهم و بیستم این کشور برخوردار شده است؛ به طوری زبان گویای وی در بیان مسائل و عوامل فساد داخلی و خارجی، شوری مضاعف در روح بیداری در جامعه عراق دمانده است. در پژوهش حاضر با به کارگیری روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر برخی عناوین مطرح در ادبیات پایداری چون؛ دعوت به اتحاد و مبارزه با استبداد داخلی، استعمارستیزی، توانستیم نقش عملی مؤثر او را در ادبیات پایداری عراق به تصویر بکشیم و او را به عنوان یک شاعر میهن‌دوست عراق معاصر به حساب آوریم.

**کلمات کلیدی:** عراق، شعر، پایداری، بیداری، محمدرضا شبیبی.

۱. \* نویسنده مسئول: danatalebpour@gmail.com

۲. shabestari82@yahoo.com

## ۱. مقدمه

هنگامی که درباره شعر پایداری سخن می‌گوییم، سریعاً موضوع فلسطین و مقاومت در آن به ذهن خطور می‌کند؛ زیرا محور اصلی و نقطه شروع این نوع شعر، پیدایش دولت اسرائیل در جهان عرب و اشغال فلسطین از سوی آن بوده است. درحالی که شعر مقاومت تنها به فلسطین محدود نمی‌شود، بلکه تمام آثار ادبی را دربر می‌گیرد که تحت شرایطی مانند: اختناق، استبداد داخلی و نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی و بی‌قانونی و اشغال سرزمین‌ها و غارت ثروت‌های داخلی، به وجود آمده‌اند (دادخواه و تابع جابری، ۱۳۹۱: ۵۶).

«ادبیات پایداری به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و پلشتی‌های بیداد داخلی یا تجاوزگر بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی با زبانی هنری یا ادیبانه سخن می‌گوید. برخی از این آثار پیش از رخ دادن فاجعه، برخی در میان جنگ یا پس از رخ دادن شکست وارد میدان می‌شوند و برخی پس از پایان یافتن کار، بی‌درنگ یا پس از گذشت زمان به نگارش تاریخ آن می‌پردازند» (شکری، ۱۳۶۶: ۱۰-۱۱). در تعریفی دیگر آمده است: «ادبیات پایداری به شعرها، داستان‌ها، نمایش‌ها، سرودها، ترانه‌ها و تصنیف‌هایی گفته می‌شود که در دوران خاصی از تاریخ ملتی یا قومی به وجود می‌آید و هدف آن ایجاد روحیه مبارزه و پایداری در مردم است» (میرصادقی، جمال و میرصادقی، میمنت، ۱۳۷۷: ۱۶).

یکی از کشورهای مهمی که سهم آثار ادبی آن در ادبیات مقاومت کمتر مورد توجه قرار گرفته است، کشور عراق است. در دوران حکومت عثمانی در این کشور، به سبب ضعف دولت در مدیریت کشورهای اسلامی و اوضاع نا بسامان داخلی، ظلم و ستم و خفقان و نفوذ استعمارگران در دولت و نبود ارزش‌های اجتماعی و فقدان عدالت و امنیت، سبب پیدایش موجی از ناآرامی‌ها در کشور گردید که خود زمینه‌ساز رویش افکار روشنفکران، شاعران و رشد آگاهی سیاسی و فرهنگی جامعه شد (الخازن، ۱۹۸۶: ۶۵).

جنگ با استعمار و محکوم نمودن استعمارگران، بر ملا نمودن زشتی‌ها و دسیسه‌ها و معاهدات و وعده‌های آنان، محکوم نمودن استبداد و نظام حکومتی، به تصویر کشیدن بینوایان و افراد رنج دیده ملت، توجه به مضامین قهرمانی، دلاوری و دعوت به همبستگی و اتحاد، از مهمترین محورهای موضوعات شعری ادبیات عراق در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به شمار می‌رود (رؤوف، ۱۹۷۴: ۳۳۹).

یکی از شاعران فعال ملی و میهنی عراق در این راستا، محمدرضا شیبی است که موضوعات شعری خود را وقف دفاع از وطن و آرمان‌های سیاسی و اجتماعی کشور خود کرده است. و دیوان او نتیجه آن مرحله سرنوشت‌ساز از تاریخ معاصر است؛ مرحله‌ای که با اعلان مشروطیت عثمانی در سال ۱۹۰۸م در کشورها آغاز می‌گردد و بیانگر دردهای ملت عراق و طبیعت محزون و حوادث دردناک و بحران‌های آن است. اگر نگاهی گذرا به عناوین قصایدش بیندازیم درمی‌یابیم که شیبی در راه شرق زیسته و تمام وجود خود را وقف دفاع از وطن و آرمان‌های مردم کشور خود کرده است و اشعار او آینه تمام‌نمای دردهای درونی وی نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی کشور است (غزوان، ۱۳۸۶: ۷-۸).

### ۱-۱. هدف و بیان مسأله

در این پژوهش سعی داریم تا با تکیه بر مهم‌ترین محورهای مطرح در ادبیات پایداری به بررسی برخی مؤلفه‌های آن در

شعر شاعر بیردازیم و بتوانیم سهم اثرگذاری وی را در ادبیات پایداری ملت عراق در قرن بیستم، بیشتر نشان دهیم.

## ۱-۲. ضرورت تحقیق

انجام این تحقیق به دلایل زیر ضروری است:

- آشنا کردن خوانندگان با حوزه گستره جهانی ادبیات مقاومت از جمله کشور عراق
- آشنایی با یکی از شاعران برجسته ادبیات کشور عراق
- بررسی نقش کشور عراق در عرصه بیداری و مبارزات ملی این کشور
- تبیین چهره مبارزه طلبی ملت عراق و نقش شاعران و ادبیات این کشور در این زمینه

## ۱-۳. پیشینه تحقیق

در مورد زندگی ادبی و سیاسی شاعر مورد بحث باید بگوییم تاکنون تحقیقاتی به شکل پایان‌نامه و مقاله در ایران و کشورهای عربی صورت گرفته است که از جمله آنها می‌توان به رساله شبیبی شاعر (۱۹۷۵م)، اثر علوان اشاره کرد که در آن محقق به بررسی زندگی سیاسی، شخصی و علمی - ادبی او در دیوان و برخی اشعار پراکنده اش پرداخته است. یا کتاب «الشبیبی فی حکمه و أمثاله ونماذج من أغراضه الشعریه» (منشورات وزارة الثقافة و الإعلام)، اثر الشربتی اشاره کرد که در آن نویسنده به برخی مهمترین امثال و حکمت‌های به کار رفته در دیوان و برخی دست نوشته‌های شعری وی اشاره کرده است. و همین‌طور پایان‌نامه‌ای با عنوان: «محمدرضا شبیبی و دوره الفکری و السیاسی حتی عام ۱۹۳۲» (۱۹۹۵)، اثر شناوه اشاره کرد که نویسنده به بررسی ابعاد و فعالیت‌های فکری و سیاسی شاعر با تکیه بر برخی آثار فکری و مضامین اشعار او پرداخته است و تاریخ روشنی از اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی عراق در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به دست داده است و یا دو کتاب «محمد رضا شبیبی و مکانته الأدبیه بین معاصریه» (۱۸۸۸-۱۹۶۵م) اثر المنصوری و «الشیخ محمدرضا شبیبی حیاته و شعره»، اثر الصفار اشاره کرد که علیرغم تلاش‌هایی که به عمل آمد، امکان دستیابی به محتوای آنها حاصل نگردید.

در ایران نیز تحقیقاتی به شکل پایان‌نامه یا مقاله در مورد مضامین اشعار شاعر به نگارش درآمده است. از جمله؛ مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل ابعاد فرهنگی مقابله با غرب در اشعار حافظ ابراهیم و محمدرضا شبیبی»، اثر حیدری و امین مقدسی (۱۳۹۵) در این مقاله، نویسندگان به بررسی و تحلیل ابعاد فرهنگی مقابله با غرب در اشعار دو شاعر پرداخته‌اند. یا «بررسی مضامین دیوان محمدرضا شبیبی» اثر دریا آزر (۱۳۹۰) همین‌طور پایان‌نامه ارشد با عنوان «زندگی محمدرضا شبیبی و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی وی»، اثر مزرعه (۸۹). اما اگر بخواهیم با دیدی عمیق و برجسته‌تر در این زمینه عمل کنیم، باید بگوییم: نقش شاعران عراق علیرغم مبارزات گسترده آنها در دوران بحران سیاسی - اجتماعی عراق در عرصه ادبیات پایداری - برخلاف ادبیات فلسطین - چندان مورد پژوهش قرار نگرفته و شاعر مورد بحث ما نیز از این امر مستثنی نبوده است و جا دارد تا مانند شاعران دیگر هم عصر او از جمله؛ زهاوی، رصافی و صافی نجفی و دیگران، از منظر ادبیات پایداری و همین‌طور اصلاحی، مورد بحث و بررسی مستقل قرار گیرد. در این مقاله قصد نیل به این هدف را داریم.

#### ۴-۱. سؤالات تحقیق

در این تحقیق به سؤالات زیر پاسخ داده می‌شود:

۱. مهمترین جنبه‌ها و ابعاد مقاومت ملی در شعر شاعر چیست؟
۲. نقش شاعر در عرصه بیداری و مبارزات سیاسی و ملی عراق در قرن بیستم تا چه اندازه است؟

#### ۵-۱. روش تحقیق

در این مقاله ابتدا اشعار موجود در دیوان شاعر مورد بررسی قرار گرفته، سپس از بین آنها ابیاتی که در راستای موضوع تحقیق بودند، انتخاب شدند و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی و تکیه بر منابع مرتبط به شرح و تحلیل آنها پرداخته‌ایم.

#### ۲. نگاهی به زندگی سیاسی و علمی- ادبی محمدرضا شبیبی

محمدرضا فرزند اول جواد شبیبی در روز دوشنبه مصادف با ۱۶ اردیبهشت (۶ ايار) سال ۱۸۸۹ م در شهرک «حی البراق»؛ یکی از شهرک‌های قدیمی نجف دیده به جهان گشود (شناوه، ۲۱: ۱۹۹۵).

«در سنین آغازین (زندگی اش) یعنی؛ در ۱۳ سالگی به نظم شعر روی آورد» (صبری، ۱۹۱۲: ۱۱۱). «و در سن ۲۳ سالگی؛ زمانی که به رثای عالم شاعر، سید باقر موسوی هندی با قصیده زیبایش پرداخت، محافل نجف او را در زمره بزرگترین شاعران (نجف) به حساب آوردند. و از سال ۱۳۲۹ به بعد شعر او تکامل و پیشرفتی حاصل کرد و روزنامه‌ها و مجلات کشورهای عربی به نشر آن پرداختند و او در شمار برجسته‌ترین شاعران عرب قرار گرفت» (الصغیر، ۲۰۰۹: ۲۴۷). «او به همراه زهاوی، رصافی، کاظمی و نجفی پنج تارگیتار شعر عراق را در ثلث اول قرن (بیستم) تشکیل می‌دهد» (الزیات، ۱۳۸۶: ۶۸). «شعر او آکنده از سیاست و احوال بزرگان و مسائل جامعه است که در بسیاری موارد آن را به تاریخ و سیاست نزدیک تر می‌سازد تا ادبیات» (شناوه، ۱۹۹۵: ۳۲).

وی از جمله شخصیت‌هایی است که نقش مؤثری را در تمام دوران تحولات سیاسی عراق از جمله در زمان حکومت عثمانی، دوران اشغال بریتانیا، دوران پادشاهی و سال‌های تحت‌الحمایگی و حتی در زمان تأسیس جمهوری کنونی عراق بازی کرده است (غزای عمران، سعدی، [www.almadasupplements.net](http://www.almadasupplements.net)، ۲۰۱۲). و به‌عنوان نماینده عراقی‌ها برای رساندن صدای آنها به خارج از عراق عمل می‌کرد (علوان، ۱۹۷۵: ۱۱).

در آغاز بیداری فکری، هنگامی که آزادی‌خواهان ایران به یاری مشروطه‌خواهان برخاسته بودند، شبیبی یکی از غیورترین افرادی بود که پیرامون شهرستانی و حرکت مشروطه‌خواهی حلقه زده بودند و در کنار مشروطه‌خواهان در مقابل مستبدین عصر ایستادند (الخاقانی، ۱۴۰۹، ج ۹: ۷). هنگامی که جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ آغاز می‌گردد و ارتش انگلیس وارد خاک عراق می‌شوند، محمدرضا یکی از چهره‌های مشهور این جنگ - معروف به جنگ «الشعبیه» - می‌باشد که علیرغم جایگاه دینی‌اش، ریاست ستاد ارتش عثمانی به رهبری سلیمان عسکری بک را بر عهده می‌گیرد (الصغیر، ۲۰۰۹: ۲۵۵) و وارد مبارزه می‌شود.

وی علاوه بر نقش سیاسی و میدانی، به پست‌های دینی و سیاسی گوناگونی دست یافت، و به‌عنوان رئیس انجمن «نادی

القلم» (تأسیس ۱۹۳۲)، رئیس مجلس سنا (۱۹۳۵) و مجلس نمایندگان (۱۹۴۴) و رئیس جبهه اتحاد ملی انتخاب شد و چندین پست وزارتی در دولت به دست آورد. از جمله چندین بار به عنوان وزیر آموزش و پرورش (از سال ۱۹۲۴-۱۹۴۸) بود (غزای عمران، سعدی، ۲۰۱۲، [www.almadasupplements.net](http://www.almadasupplements.net)). شبیبی در سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸م، ریاست «فرهنگستان علمی عراق» را به عهده می‌گیرد. وی علاوه بر فعالیت در آن، در «فرهنگستان زبان عربی قاهره» نیز نقش ایفا کرده بود و تا سال ۱۹۴۸ از اعضای فعال آن به شمار می‌رفته است (الشیخ محمدرضا شبیبی و جهوده الصحافیة، <http://alssafat.net>، ۲۰۱۴). دانشگاه فؤاد الأول (قاهره) در سال ۱۹۵۲ به دلیل سپاس از تحقیقات او در زمینه ادبیات و تاریخ، مدرک دکترای افتخاری در ادبیات را به او اعطا کرد (غزای عمران، سعدی، ۲۰۱۲، [www.almadasupplements.net](http://www.almadasupplements.net)).

وی سرانجام در سال ۱۹۶۵م در بغداد دیده از جهان فرو بست. (علوان، ۱۹۷۵: ۷۸). علاوه بر مقالات و تحقیقات متعددی که در روزنامه‌ها و مجلات علمی عراق و کشورهای عربی انتشار می‌یافته است، از او حدود چهل اثر باقی مانده است که برخی از آنها به چاپ رسیده است. از جمله؛ «دیوان الشیبی»، «فن التریب فی الاسلام»، «مؤرخ العراق ابن الفوطی»، «رحله فی بادیة السماوة»، «أصول الفاظ اللهجة العراقية»، «لهجات الجنوب». و برخی هنوز به صورت دست نوشته باقی مانده است. از جمله؛ «فلسفة اليهود فی الاسلام»، «تاریخ الفلسفة»، «المسألة العراقية»، «المأنوس فی لغة القاموس»، «تاریخ النجف».

### ۳. بن‌مایه‌های بیداری و پایداری در شعر محمدرضا شبیبی

بن‌مایه‌های بیداری و پایداری در شعر محمدرضا شبیبی عبارت است از:

#### ۳-۱. مبارزه با استبداد داخلی

در سال ۱۵۳۴ میلادی، بغداد به تصرف ترکان عثمانی درآمد و بدین ترتیب سرزمین بین‌النهرین یا عراق کنونی تا اوایل قرن بیستم جزء امپراتوری عثمانی بود. انقلاب عثمانی در سال ۱۹۰۸ آغاز مرحله جدیدی در تاریخ عراق و دولت عثمانی بود (علوان، ۱۹۷۵: ۴۳). این قانون عرب‌ها و ترک‌ها را در حقوق و تکالیف مساوی قرار داد و روحیه معنوی عرب‌ها را تقویت کرد و سبب شد تا آنها ارزش و جایگاه خود را درک کنند (همان: ۴۴-۴۵). به دنبال آن جمعی از روشنفکران و شاعران از جمله شبیبی از آن حمایت می‌کنند و به جمع آنها می‌پیوندند. دلیلش این بود که این انقلاب بتواند عراق را از مشکلات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی‌ای که در زمان حکومت عبدالحمید ثانی (۱۸۷۶-۱۹۰۹) به صورت چشمگیری آشکار شده بود، آزاد سازد. سردادن شعارهای آزادی و عدالت و برابری نیز از جمله عواملی بودند تا ملی‌گرای متعصب و وفاداری چون شبیبی را برانگیزانند، اما دیری نپایید که متحدین پیمان‌هایی را که با عرب‌ها و ملت‌های دیگر در خصوص حقوق ملی خود بسته بودند، شکستند و سیاست دیکتاتوری تری نسبت به گذشته در پیش گرفتند و یک نظام مرکزی تأسیس کردند که سیاست به ترکی درآوردن را یکی از اهداف اصلی خود قرار دادند تا اینکه حس اعتماد ملت را نسبت به خود از دست دادند (شناوه، ۱۹۹۵: ۳۶-۳۷).

علاوه بر این سیاست‌های نابخردانه دولت عثمانی در قبال ملت نیز در وخامت اوضاع بیشتر افزود. چرا که بیشتر کارگزاران امپراطوری، افرادی خشن و سخت‌گیر و فاسد بودند و در شهرهای مختلف عراق با زور اموال مردم را می‌گرفتند و

مالیات‌های سنگینی وضع می‌کردند و در گرفتن مالیات بر مردم بسیار سخت می‌گرفتند تا آنجا که مردم ترجیح می‌دادند اصل اموال خود را بدهند و از شر مالیات‌ها راحت شوند (اسماعیلی، ۱۳۷۶، <https://hawzah.net>). افزون بر این با رفتارهای جاهلانه و حرکت‌های توهین‌آمیز، مسلمانان عراق به ویژه شیعیان را تحقیر می‌کردند (آل محبوبه، ۱۹۸۹، ج ۱: ۳۴۲ به نقل از همان). و هرگونه انتقاد از رفتار حاکمان، اعتراض به کارهای ناشایست و ستم‌های آنان به‌عنوان مخالفت با خلیفه عثمانی تلقی می‌شد و پیامدهای ناگواری را ممکن بود به بار آورد (قاسمی، ۱۳۷۶، <https://hawzah.net>). این مسائل روح افرادی چون؛ شبیبی را متلاطم و آزرده می‌سازد. وی در قصیده‌ای با عنوان «الحب الطاهر» از اوضاع و احوال نابسامانی که در سایه حکومت ترکان عثمانی در اواخر سال‌های ۱۹۱۱ بر سر عراق آمده است، چنین پرده بر می‌دارد:

يَقُولُونَ: إتيانُ الكبائرِ جائزٌ  
أَفِي هَذِهِ الْأَخْلَاقِ لِلْجِنْسِ نَهْضَةٌ  
وَفِعْلُ الْخَطَايَا الْمُنْكَرَاتِ مَبَاحٌ  
وَلِلْبَشَرِ الْآتِيَيْنِ مِنْهُ فَلَاحٌ  
يُرِيدُونَ لِلدُّنْيَا ضَمَادًا وَإِنَّهُمْ  
بِجُثْمَانِ هَذَا الْأَجْتِمَاعِ جِرَاحٌ  
وَيَعْتَبِرْنَ النَّاسَ مَرَضَى كَأَنَّهُمْ  
-وَهُمْ كَيْفُوا دَاءَ النَّفْسِ- صِحَاحٌ  
(ديوان، ۱۹۴۰: ۴۰)

می‌گویند: ارتکاب به گناهان بزرگ جایز است و انجام کارهای زشت و منکرات مباح است. / آیا با این اخلاق جنس بشری که از آن متولد می‌شود، می‌تواند رستگار شود؟ / می‌خواهند دنیا را مرهم بزنند در حالی که خود در پیکر این جامعه زخمی هستند. / و مردم را بیمار می‌پندارند گویی که آنها خود-بیماری را با جان‌ها سازگار کردند- سالم هستند.

در ابیات بالا شبیبی ظلم و ستم ترکان عثمانی و فساد اخلاقی ناشی از سیاست‌های اشتباه و بی‌مبالاتی آنها نسبت به سرنوشت کشور را عامل اصلی فساد اخلاقی در جامعه برمی‌شمارد که علت اصلی جمود، سستی و پیشرفت و ترقی در جامعه است و همچون یک بیماری در روح افراد جامعه نفوذ یافته است. به همین دلیل است که در ابیات زیر از اعماق درون، از زخم درونی خویش فریاد برمی‌آورد و چنین تعبیر می‌کند:

فَلَمْ أَتَنْفَسْ زَفْرَةً بَلْ حُشَاشَةً  
أَلَا مُدْرِكٌ هَذِي الْبِلَادَ وَأَهْلَهَا  
وَلَمْ أَبْكِ دَمْعًا بَلْ بَكَيْتُ شَبَابًا  
فَقَدْ لَقَيْتُ مِنْ جَوْرِ سَاسَتِهَا جَهْدًا  
(همان: ۵)

تنها آه بر نیاوردم بلکه از درون فریاد بر آوردم و اشک نریختم، بلکه بر جوانی خویش گریستم. / آیا کسی هست که به فریاد این کشور و اهل آن که از ظلم و ستم حاکمان آن دچار رنج و سختی گشته است، برسد؟

این وضع به گونه‌ای پیش می‌رفت که به دلیل شدت درد و رنجی که ملت عراق از حکومت ترکان در طول جنگ دیدند، حتی برخی از عراقی‌ها از اشغال انگلیس استقبال می‌کردند (غزای عمران، ۲۰۱۲، [almadasupplements.net](http://almadasupplements.net)).

شبیبی سکوت و بی‌مبالاتی مردم نسبت به امور جاری کشور را مسبب اصلی حوادث آن می‌داند. مردمانی که سکوت، آنها را در خوابی چند ساله فرو برده است که یادآور خواب اصحاب کهف است و حوادث بی‌تاب و قرار بر کشور فرود می‌آیند. وی در توییح فرزندان به خواب رفته ملت خویش می‌گوید:

وَيَا نُومًا عَنْ عَالَمٍ لَمْ تَنَمِ بِهِ  
خُطُوبٌ وَلَمْ تَرْفُقْ بِنَا لَتُنِيْمًا

سُبَاتُ رُقُودِ الْكَهْفِ أَحْيَيْتُمُوهُمْ      وَجَدَدْتُمْ كَهْفًا لَهُمْ وَرَقِيْمًا

(همان: ۱۰)

ای بی‌خبران از عالمی که حوادث در آن آرام نمی‌گیرند و بر ما رحمی نمی‌آورند تا خود نیز بدین وسیله آرام گیرند. / شما خواب خفتگان کهف را دو باره زنده کرده‌اید و (بلکه) علاوه بر آن رقیم (نام غار اصحاب کهف) دیگری را برای آنان بنا کرده‌اید.

و به همین دلیل است که شبیبی فریاد برمی‌آورد و ندای «هل من ناصر ینصرنی» را سر می‌دهد و با لحنی خطابی و تحریک‌آمیز برای بهبود اوضاع کشور اراده‌های والا را به سوی خویش فرا می‌خواند و برای احیای عزت از دست رفته ملت خود و دستیابی به سعادت، تحریک می‌کند:

أَلَا هِمٌّ يَكْبَحُنَّ مِنْ شَهْوَاتِهِمْ      فَيَنْحَطُّ مَيْلٌ أَوْ يَلِينُ جِمَاحٌ  
وَهَلْ فَاضِلٌ يَرَعَى الْفَضِيلَةَ؟ إِنَّهَا      خَيَالٌ سَيَفَنِي أَوْ حِيْمَى سَيِيْحٌ

(همان: ۴۰)

آیا اراده‌هایی نیستند که بخواهند از شهوت‌هایشان بکاهند و بدین ترتیب کجروی‌ها و سرکشی‌ها فروکش کنند. / آیا انسان فاضلی نیست که فضیلت را رعایت کند؟ به درستی که آن خیالی است که نابود خواهد شد و یا بازدارندگی‌ای است که به زودی مباح خواهد شد.

وی سعادت و خوشبختی ملت را در اراده، همبستگی و تلاش آنها برای مبارزه و ایستادگی در برابر ظلم و ستم می‌داند و آنها را به حرکت و تکاپو در این زمینه دعوت می‌کند. ابیات زیر گویای این حقیقت است:

أَسْكَا نَ أَجْوَا زِ الْعِرَاقِيْنَ هَلْ لَكُمْ      نَزْوَعٌ إِلْسَى نَيْلِ الْعُلَا وَطِمَاحٌ؟  
فَلَا تَضْعُفُوا إِنَّ السَّعَادَةَ قُوَّةٌ      وَلَا تَجْبُنُوا إِنَّ الْحَيَاةَ كِفَاحٌ

(همان: ۴۰)

ای ساکنان سرزمین‌های عراقین آیا شما انگیزه‌ای برای رسیدن به بزرگی دارید؟ / پس سست نشوید؛ زیرا سعادت و خوشبختی یک توان است و تترسید؛ زیرا زندگی، جنگ و مبارزه است.

### ۳-۲. استعمار ستیزی و نفی آثار تمدن غربی

از زمانی که پای کشورهای اروپایی به خاورمیانه باز شد؛ یعنی زمانی که کشور زیر سیطره دولت عثمانی بود و آن دولت‌ها به تمام ذخایر اقتصادی و بازار تحریک‌کننده آن چشم می‌دوختند، عراق به جایگاه مهمی در تفکر استعماری دست یافته بود (شناوه، ۱۹۹۵: ۸۳). از سویی دیگر، خشونت و بدرفتاری ترکان عثمانی با شیعیان سبب شده بود که نیروهای اشغال‌گر بیندارند که حوزه‌های علمیه و علمای بزرگ شیعه از یورش آنان به عراق استقبال خواهند کرد و یا دست کم در برابر این حرکت ساکت خواهند ماند (قاسمی، ۱۳۷۶، <https://hawzah.net>). سرانجام، ارتش بریتانیا در دسامبر ۱۹۱۷ وارد بغداد شده و آخرین نشانه‌های حاکمیت عثمانی را برای همیشه محو و نابود می‌نماید (بدیع، بی تا: ۱۵۶). و بر اساس موافقت‌نامه پنهانی سایکس-پیکو که در ۱۶ مه ۱۹۱۶م منعقد شد، سرزمین‌های عربی عثمانی، بین انگلیس و فرانسه تقسیم شد. در این میان برخی از شاعران هر چند برای رهایی از ظلم و ستم حاکمان ترک عثمانی و به گمان خویش، نیل به داعیه استقلال عراق، به دولت بریتانیا متوسل شده بودند، اما بعد از مدت زمانی وقتی متوجه شدند، دولت‌های غربی خود، به بلای جانکاه

دیگری تبدیل شده‌اند و به دنبال تجزیه کشور عراق هستند دم برنیاوردند و دست به کار شدند و در کنار دولت عثمانی ایستادند و به حمایت از آن پرداختند. در این شرایط بود که محمدرضا شیبی به عنوان یکی از این افراد، برای مبارزه با نیروهای استعمارگر به همراه علامه محمد سعید حبیبی به ارتش ترک می‌پیوندد و در معرکه «شعبیه» حضور می‌یابد و زمانی که در تاریخ یازدهم آذر (فروردین) سال ۱۹۱۷م پای دولت بریتانیا به بغداد باز می‌شود، در برابر سیر آرنولد ولسن، حاکم بریتانیا می‌ایستد و می‌گوید: «عراقی‌ها حق دارند که یک حکومت تماماً مستقلی داشته باشند» (غزای عمران، ۲۰۱۲، [almadasupplements.net](http://almadasupplements.net)). وی ملت خود را نسبت به وعده‌های شوم اصلاحی که استعمارگران می‌دهند هشدار داده و هدف آنان را چیزی جز بردگی کشاندن ملت و استعمار آن نمی‌داند و جای بسی تأسف است که برخی ظاهربینان، دل بسته زرق و برق وعده‌های آنان شدند و خواستند با توسل به آنها از یوغ اسارت دولت عثمانی نجات یابند؛ درحالی‌که این چیزی نبود جز فروختن کشور به ثمنی بخش و بی ارزش. وی حتی در طرح‌ها و برنامه‌های آنان شک می‌کند و آنها را دام بزرگی برای اسارت می‌پندارد، آنجا که می‌گوید:

|   |  |
|---|--|
| تَبَدُّوا لَكُمْ ثَمَنَ الْبِلَادِ وَفِيكُمْ    | مَنْ لَا يَشْكُ بَأَنَّهُمْ أَجْوَادُ    |
| وَعِدْوَمُ الْإِصْلَاحِ فَلْتَتَوَقَّعُوا       | بَرْقًا جَوَانِبُ وَعَعْدُهُ إِعْوَادُ   |
| إِطْلَاقُ أَيْدِينَا عَلَى أَيْدِي الْعِدَى     | رِقٌّ وَفَكُّ إِسَارِنَا اسْتِعْبَادُ    |
| مَدُّوا الْحَدِيدَ وَمَا اهْتَزَّتْ لِمَدِّهِ   | سِكِّكُ الْحَدِيدِ بِأَرْضِنَا أَصْفَادُ |
| طُرُقُ الْحَدِيدِ إِذَا التَّوَتُ وَتَشَابَكَتْ | شُرُكٌ بِهِ شَرَفُ الْعِرَاقِ يُصَادُ    |

(همان: ۳۶)

ارزش کشور را نادیده گرفتند درحالی‌که در بین شما افرادی وجود دارند که هیچ شکی ندارند که آنان بخشنده هستند. / به شما وعده اصلاح دادند، اما باید در انتظار برقی باشید که اطراف وعده آن، ترساندن است. / دراز کردن دست‌مان به سوی دستان دشمن و گشودن بندهایمان مایه بردگی و ذلت است. / آهن را برای شما گسترانیدند درحالی‌که برای گستردن آن هیچ تکانی نخوردیم، راه آهن‌ها در سرزمین ما بندهایی هستند. / در صورتی که راه آهن‌ها در هم پیچیده شوند و به هم وصل شوند دام‌هایی هستند که حیثیت عراق به وسیله آن مورد لطمه قرار می‌گیرد.

غرب سیزی شیبی معمولاً در انتقادش از مظاهر تمدن غرب نمود می‌یابد. وی با جرئت و صراحت تمام، بی‌نفس بر غرب هجوم می‌آورد و آن را از سیاست ظالمانه‌ای که در مقابل شرق گرفته است، هشدار می‌دهد و ادعایی را که در آن از فضایل انسانی و ارزش‌های والا صحبت می‌کند، فاش می‌کند و از پرده نگارینی که غرب از طریق آن حیل می‌ورزد و آن را تمدن می‌نامد، رونمایی می‌کند (علوان، ۱۹۷۵: ۲۳۳). او آثار تمدن غرب را چیزی جز خدعه و نیرنگ و ایجاد تفرقه و دودستگی و ظلم بر افراد ملت و ذلت و خواری نمی‌داند، آنجا که می‌گوید:

|  |                            |
|--|----------------------------|
| خِدَاعٌ وَكَذِبٌ، وَأَفْتِرَاقٌ وَقَسْوَةٌ | وظلم، أهدا العالم المتمدن؟ |
|--|----------------------------|

(همان: ۱۲۸)

|  |  |
|--|--|
| مَا خَلَفَ الْغَرْبَ فِينَا مِنْ حَضَارَتِهِ | إِلَّا بَوَاعِثَ إِرْهَاقٍ وَإِرْغَامِ |
|--|--|

(همان: ۲۳)

خدعه، دروغ، تفرقه، قساوت و ظلم، آیا این همان خصائص جهان متمدن است؟ / غرب از تمدن خویش در بین ما چیزی جز اسباب سرافکنندگی و خواری و زبونی به جا نگذاشته است.



و حتی در جایی دیگر به دین و آیین و سنت آنان طعنه می‌زند؛ زیرا آنان با وجود خود در سرزمین‌های شرق، سنت‌ها را از بین بردند و موجبات بدعت در آن سرزمین‌ها را فراهم کردند و به همین دلیل است که ملت خویش را نسبت به آثار نفوذ آنان در بین ملت‌های شرق متذکر می‌شود و به هوشیاری و بیداری فرا می‌خواند:

وَأَذْكَرِي مَا فَعَلَ الْعَرَبُ بِمَنْ  
رَفَعُوا الصُّلْبَانَ لَا شَافِيَةَ  
هَذِبُوهُ وَاصْنَعِي مَا صَنَعَا  
مِنْ سُقْمٍ وَأَقَامُوا الْبَيْعَا  
وَأَمَاتُوا سُؤْمَنَا وَاضِحَةً  
مَوْتَهَا فِي الْأَرْضِ أَحْيَا الْبِدْعَا  
(همان: ۴۵)

کردار غرب را در رابطه با کسانی که به تهذیب او پرداخته‌اند، به یاد آورید و به مانند آنها عمل کنید. / صلیب‌هایی را که هیچ دردی را دوا نمی‌کنند برافراشتند و بیعت‌ها را وضع کرده‌اند. / و سنت‌ها و آیین‌های روشنی را از بین بردند که از بین رفتن آنها در زمین سبب پیدایش بدعت‌ها گردیده است.

### ۳-۳. دعوت به اتحاد و پرهیز از تفرقه

عامل دیگر اثرگذار در مصیبت‌های وارد شده بر کشور عراق، وجود تفرقه و عدم اتحاد افراد ملت در اندیشه و وجود احزاب و فرقه‌های مختلف در جامعه است که تصمیم‌گیری در مورد مسائل داخلی کشور را بسیار سخت کرده است؛ زیرا عراق کشوری است که پس از امپراتوری عثمانی و توسط اداره مستعمرات بریتانیا (کرمانج، ۲۰۱۵: ۲۰) در اوایل قرن بیستم تأسیس شد و پیش از آن نیز به دلیل تنوع و گونه‌گونی، هیچ‌گاه کشوری واحد شمرده نمی‌شد (الحیدری، ۲۰۱۳: ۱۹۸). این واحد سیاسی یا دولت-ملت تأسیس شده در قرن بیستم، با اینکه نسبت هویتی خود را به تمدن‌های نخستین جهان در بین‌النهرین می‌رساند (الکرملی، ۲۰۱۳: ۸)، اما به دلیل تنوع مذاهب و قومیت‌ها و ادیان در آن (کرمانج، ۲۰۱۵: ۲۲) که چه بسا هر یک مناسبات و ارتباطاتی بیرون از مرزهای مشخص شده امروزی عراق داشته و دارند، از ابتدای تأسیس تا به امروز از مشکلاتی هویتی رنج می‌برد؛ چالش‌هایی که شاید بتوان گفت از مهمترین علل عدم استقرار و ثبات عراق در تمام سال‌های پس از استقلال، به ویژه نیمه دوم قرن بیستم و سال‌های نخستین قرن ۲۱ است (نقاش، ۱۹۹۶: ۱۴۵). به همین دلیل است که می‌بینیم محمدرضا شبیبی در لابلای دیوان خود از درد و رنج ناشی از تفرقه دائماً شکوی سر می‌دهد و در خطاب به بیدار کردن قوم خویش برای همبستگی و اتحاد آنها را به سوی خویش فرا می‌خواند:

فَفِي آرَائِنَا شِيْعٌ  
قَدْ اسْتَشْرَى خِلَافَكُمْ  
وَفِي أَحْزَابِنَا فِرْقٌ  
أَلَا يَا قَوْمُ فَاتَّفِقُوا  
(همان: ۹۱)

در بین آرا (اندیشه‌ها) و فرقه‌های ما اختلاف و تفرقه است. / ای قوم، اختلاف و تفرقه در بین شما انتشار یافته است پس برای دفع آن با یکدیگر متحد شوید.

وی صریحاً با جوانان کشور بیعت می‌کند که اختلاف‌های عقیدتی و سلیقه‌ای نباید بهانه‌ای باشد تا آنها زمام وحدت خود را از دست دهند و عوامل داخلی و خارجی بتوانند از این آب گل آلود ماهی بگیرند و فرصت‌ها را پیش روی آنها مهیا کنند و دست استمداد را به سوی آنان دراز می‌کند تا آنها او را در انجام این رسالت خطیر یاری کنند، آنجا که می‌گوید:

كُونُوا الْوَحْدَةَ لَا تَفْسُخْهَا  
نَزَعَاتُ الرَّأْيِ وَالْمُعْتَقِدِ

أَنَا بَايَعْتُ عَلَى أَنْ لَا أَرَى      فُرْقَاهُ، هَاكُمُ عَلَى هَذَا يَدِي

(همان: ۸۱)

اتحاد و وحدتی را به وجود آورید که اختلاف آرا و عقاید آن را از بین نبرد. / من بیعت بستم تا تفرقه را  
نبینم، پس برای این مقصود دستم را بگیرید.

وی در یکی از قصاید خود، به سرزنش افرادی می پردازد که به اختلافات دینی دامن می زنند:

لَا تَجْعَلُوا آلَةَ التَّفْرِيقِ دِينَكُمْ      فَالِدَيْنُ عَن وَصْمَةِ التَّفْرِيقِ مَعْضُومٌ

(همان: ۵۰)

دین را بهانه ای برای ایجاد تفرقه بر مگزینید؛ چرا که دین از این لکه و عار مبراست.

### ۴-۳. دعوت به احیای هویت ملی

محمدرضا شیبی توسل جستن به گذشته پر افتخار عرب و احیای هویت ملی را یکی از عوامل مبارزه با دشمن عنود می داند. بهره گیری از توانایی های نمادین مانند زبان، دین، گذشته تاریخی و منافع مشترک، می تواند به همبستگی ملی منجر شود (موسی آبادی و فخر اسلام، ۱۳۹۷: ۴۵). و شیبی این نکته را خوب دریافته است. وی دائماً به گذشته ملی عرب افتخار می کند، اما هدف او آن است که آن به چراغ زمان حاضر تبدیل شود.

وی زمانی که در سال ۱۹۱۸ ارتش بریتانیا دمشق عراق را به اشغال خود درمی آورد، با یادآوری گذشته ملت عرب و مدح دلاوری ها و شجاعت های گذشته نژاد عرب از جمله؛ صلاح الدین ایوبی، عنتره، لخم، آل محرّق، ایاد و قبایل عرب از جمله؛ یعرب، و مقایسه آن با وضع کنونی عراق در ابتدا، ابراز تأسف و اندوه کرده؛ زیرا ملت عراق نتوانسته است میراث جلوه و شکوه قدرت و تمدن گذشتگان را حفظ کند و بر این اساس میراث دار خوبی نبوده است. وی در تحریک و تشویق ملت عراق در مقابل دفع سلطه سیاسی بیگانگان و احیای مجد و عظمت گذشته عراق، چنین می گوید:

خُنَا ذِمَامَ الْفَاتِحِينَ وَعَهْدُهُمْ      مَا هَكَذَا تَسْتَنْجِبُ الْأَوْلَادُ  
إِنَّا بِمَا نَجْنِي وَهُمْ فِيمَا جَنُوا      بِئْسَ الْبُنُونَ وَنَعَمَتِ الْأَجْدَادُ  
كَانَتْ حَفَائِظُ (يعرب) إِنْ صَوْلَيْتَ      نَاراً وَنَارُ الْأَخْرِيْنَ رَمَادُ  
إِنِّي يُذَكِّرُنِي الشَّهَامَةَ (عنتر)      فِينَا وَوَالِدُ (عنتر) شَدَادُ  
وَيَهْزُنِي عَصْرُ (العراق) تَسْوُسُهُ      (لخُم) وَآلُ مُحَرَّقٍ (إياد)

(همان: ۳۵)

ما به عهد و پیمان های فاتحان خیانت کردیم، این گونه فرزندان، زاییده نمی شوند. / ما نسبت به آنچه بدست می آوریم و آنها نسبت به آنچه بدست آورده اند، بدترین فرزندان و اجداد هستیم و هستند. / اگر خشم یعرب، برافروخته شود، آتشی خواهد بود درحالی که آتش دیگران خاکستر است. / عنتر و پدر عنتر، شداد در بین ما شجاعت را به خاطر می آورد. / عصر عراق زمانی که لخم و آل محرّق و ایاد در آن حکومت می کردند، مرا به خروش می آورد.

وی بر این عقیده است که عرب برای مقابله با عوامل استبداد می بایست به بازیابی هویت مخدوش و پایمال شده خویش پردازد و گذشته خود را احیا کرده و به آن افتخار کند؛ گذشته ای که در رأس آنها دلاوران شجاعی چون؛ امام علی (ع) و

سردار آن مالک اشتر و قبایلی چون؛ تنوخ و تُبَع بودند. به عبارتی دیگر؛ شبیبی وحدت ملت عراق را نه در تاریخ اسلام، بلکه در تاریخ عرب می‌جوید. وی در قصیده «الشرق الناهض» که به دنبال انقلاب دروز علیه استعمار فرانسه در سال ۱۹۲۵م سروده است، به‌خوبی این نکته را تبیین کرده است:

|   |  |
|---|--|
| جَاهِدِي يَا أُمَّمَ الشَّرْقِ الْأَلْسَى | قَتَلُونَنَا جَاهِدِيهِمْ أَجْمَعًا      |
| جَدَدِي عَهْدِ (عَلِي) غَازِيَا           | وَأَعْيَدِي (مَالِك) وَ (النُّخَعَا)     |
| وَتَعَالَى فِي الْعِرَاقِيِّينَ صَدَيَّ   | مِنْ (بَنِي الْأَطْرَش) حَتَّى أَسْمَعَا |
| جَمَعَ الْعِلْجُ فَاثْبَعَتْ              | هَجْمَاتٌ فَرَّقَتْ مَا جَمَعَا          |
| أُ (تَنُوخُ) هَذِهِ أُمُّ أَنْجَبَاتٍ     | هَذِهِ أُخْرَى (تَنُوخُ) (تُبَعَا)       |
| ذَهَبَتْ أَيَّامُهُمْ فَاسْتَرْجِعُوا     | مَا أَضَاعُوا رَبَّ مَا ضَرَجَعَا        |

(همان: ۴۵)

ای ملت‌های شرقی که استعمارگران درصدد کشتار ما برآمده‌اند، برای دفاع از وطن برخیزید و با همه آنان پیکار کنید. / روزگار و عهد علی (ع) مبارز و مالک نخعی را احیا کنید و بازگردانید. / و پژواکی (صدای- فریادی) در عراقین از بنواطرش برخاست که همه را شنوا و هشیار ساخت. / گور خران وحشی را گردآورد و در پی آن حملاتی برخاست که جمع‌شان را پراکنده و تار ساخت. / آیا این تنوخ است یا اینکه تنوخ از نو تُبَع دیگری زائیده است. / روزهای (طلایی) آنان از بین رفت پس آنچه را که آنها نابود و تباہ کردند را اعاده کنید (و بدانید که) گذشته‌گاه قابل بازگشت است.

دلیل این افتخار این است که شبیبی به عرب ایمان آورده بود و او یک عربی اصیل بود و فرزند این سرزمین عربی و ایمان او به اسلام و عرب ایمان کسی بود که در سایه عزت و کرامت دنبال استقلال آن بودند. بر این اساس شبیبی را می‌توان یک ملی‌گرای عرب به حساب آورد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

با بررسی مجموعه مضامین موجود در اشعار شاعر به نتایج ذیل دست یافتیم:

همان‌گونه که در اشعار دیدیم شاعر مزبور ما یک شاعر انقلابی است. دغدغه اصلی او اصلاح اوضاع نابسامان کشور است به‌طوری که این دغدغه آرامش و طیب خاطر را از وجود او زاییده و او را در اندوهی سخت فرو برده است. انقلابی بودن شاعر ما تنها در عرصه قلم به دست گرفتن و سرودن چند قطعه ابیات خلاصه نمی‌شود، بلکه عملاً وارد میدان مبارزه و نبرد می‌شود و در برابر استکبار داخلی و استعمار خارجی می‌ایستد و با ذهن وقاد و روشنش دسیسه‌ها و حیل‌های دشمن فعلی و آینده را یادآور می‌شود و وجود به خواب رفته ملت را بیدار می‌کند تا از سستی و کمرختی بیدار شوند و در برابر دشمن عنید برخیزند. شبیبی عوامل اصلی نابسامانی در کشورش را معلول چند عامل می‌داند که از مهمترین آنها سکوت در برابر نابسامانی‌ها و نابهنجاری‌ها و وجود اختلافات و تفرقه به اشکال مختلف و از دست رفتن هویت گذشته ملی عراق است این جنبه‌ها مهمترین ابعاد مقاومت را در اشعار شاعر تشکیل می‌دهد.

#### فهرست منابع

۱. آل محبوبه، الشیخ باقر، (۱۹۸۹). ماضی النجف و حاضرهما. ج ۱. بیروت: دارالأضواء.

۲. بدیع، شریف محمد. (بی تا). *النهضة العربية الحديثة*. العراق.
۳. الحیدری، ابراهیم. (۲۰۱۳). *الشخصیة العراقية البحث عن الهوية*. بیروت: دارالتنوير.
۴. الخازن، ویلیم. (۱۹۸۶). *الشعر والوطنیة فی لبنان و البلاد العربیة*. الطبعة الثانية. بیروت: دارالمشرق.
۵. الخاقانی، علی. (۱۴۰۸هـ). *شعرا العری أو النجفیات*. الجزء التاسع. قم: مطبعة بهمن.
۶. رؤوف، واعظ. (۱۹۷۴). *الاتجاهات الوطنیة فی الشعر العراقي الحديث*. بی جا. دارالحریة للطباعة و النشر.
۷. الشیبی، محمدرضا. (۱۹۴۰). *دیوان الشیبی*. القاهرة: جمعیة الرابطة العلمیة الأدبیة.
۹. شکری، عالی. (۱۳۶۶). *ادبیات مقاومت*. ترجمه محمد حسین روحانی. تهران: نشر نو.
۱۰. شناو، علی عبد. (۱۹۹۵). *الشیبی فی شبابه السیاسی*. بی جا: دار کوفان للنشر.
۱۱. صبری، محمد. (۱۹۱۲). *شعراء العصر، الجزء الثاني*. مصر. المطبعة الهندیة.
۱۲. الصغیر، محمد حسین علی. (۲۰۰۹). *قادة الفكر الديني و السیاسی فی النجف الأشرف، الطبعة الثانية*. لبنان: البلاغ.
۱۳. علوان، قصى سالم. (۱۹۷۵). *الشیبی شاعرا*. بغداد: منشورات وزارة الإعلام.
۱۴. کرمانج، شیرکو. (۲۰۱۵). *الهویة والأزمه فی العراق*. ترجمه عوف عبدالرحمن عبدالله. بیروت: دارالساقی.
۱۵. الکرملی، انستانس ماری. (۱۹۱۹). *خلاصة تاریخ العراق منذ نشوئه إلى یومنا هذا*. البصرة: مطبعة الحكومة بالبصرة.
۱۶. میرصادقی، جمال؛ میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۷). *واژه نامه هنر داستان نویسی: فرهنگ تفصیلی اصطلاح های ادبیات داستانی*. تهران: مهناز.
۱۷. نقاش، إسحاق. (۱۹۹۶). *شیعة العراق*. ترجمه عبدالاله النعیمی، دمشق: دارالمدی.
۱۸. دادخواه، حسن و تابع جابری، ناصر. (۱۳۹۱). «مظاهر المقاومة فی شعر مظفر النواب». بحوث فی اللغة العربیة و آدابها. العدد ۶. صص ۵۵-۷۴.
۱۹. الزیات، احمد حسن. (۱۳۸۶). «تاریخ العراق المعاصر فی حیاة الشیبی». البلاغ. العدد الثاني. السنة الاولى. ربیع الاول. صص ۵۷-۷۱.
۲۰. غزوان، عناد. (۱۳۸۶). «شاعریة الشیخ محمدرضا الشیبی». البلاغ. العدد الخامس. السنة الأولى. صص ۳۳۷-۳۴۸.
۲۱. موسی آبادی، رضا؛ فخر اسلام، بتول. (۱۳۹۷). «بازتاب هویت ملی و مؤلفه های آن در شعر شاعران برجسته مشروطه». *فصلنامه مطالعات ملی*. سال بیستم، دوره ۷۷. شماره ۱. صص ۳۹-۵۸.

#### سایت های اینترنتی

۲۲. الشیخ محمدرضا الشیبی و جهوده الصحافیة: <http://alssafat.net>, ۲۰۱۴/۱۱/۱۴ (فريق الصافات).
۲۳. غزای عمران، سعدی. عندما يكون السیاسی شاعرا: [almadasupplements.net](http://almadasupplements.net), ۲۰۱۲/۱۰/۲۴.
۲۴. قاسمی، قاسم. حوزه نجف در برابر هجوم استعمار. ۱۳۷۶. ش ۸۴ (قابل دسترسی در پایگاه: <https://hawzah.net>).